

ویلیام شکسپیر

تاجرونیزی

ابوالحسن تهامی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م.

Shakespeare, William

تاجرونیزی / ویلیام شکسپیر؛ ابوالحسن تهامی.

تهران: انتشارات نگاره، ۱۳۹۷.

۱۹۷ ص: ۱۴/۵، ۲۱/۵، ۲۱/۵

شابک: ۳ - ۳۸۸ - ۳۷۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: ییپا

یادداشت: عنوان اصلی: The merchant of Venice, 2010.

موضوع: نمایشنامه انگلیسی - قرن ۱۶ م.

English drama -- Early modern and Elizabethan, 1500 - 1600

شناسه افزوده: تهامی، ابوالحسن، ۱۳۱۷، مترجم

رده بندی کنگره: PR

رده بندی دیویی: ۸۲۲/۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۹۹۴۹

ویلیام شکسپیر

تاجر ونیزی

ابوالحسن تهمی

ترجمه: دفتر انتشارات نگاه
مصحح: آرایه: احمد علی پور

چاپ اول: ۱۳۸۸ - شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: اطلس چاپ - چاپ: رامین

شابک: ۳ - ۳۸۸ - ۷۶ - ۹۷۸ - ۹۶۸ - ۹۶۸

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

www.negahpub.com negahpub newsnegahpub

فهرست مطالب

درآمد	۹
در شناخت شکسپیر	۱۷
فهرست آثار شکسپیر به ترتیب تاریخ نگارش	۲۹
دوران الیزابت و تماشاخانه	۳۳
سخن مترجم	۳۷

پرده ی یکم

پرده ی یکم، صحنه ی یکم	۴۳
پرده ی یکم: صحنه ی دوم	۵۲
پرده ی یکم: صحنه ی سوم	۵۹

پرده ی دوم

پرده ی دوم، صحنه ی یکم	۷۱
پرده ی دوم، صحنه ی دوم	۷۴

- ۸۴..... پرده‌ی دوم، صحنه‌ی سوم
- ۸۶..... پرده‌ی دوم، صحنه‌ی چهارم
- ۸۹..... پرده‌ی دوم، صحنه‌ی پنجم
- ۹۳..... پرده‌ی دوم، صحنه‌ی ششم
- ۹۷..... پرده‌ی دوم، صحنه‌ی هفتم
- ۱۰۲..... پرده‌ی دوم، صحنه‌ی هشتم
- ۱۰۵..... پرده‌ی دوم، صحنه‌ی نهم

پرده‌ی سوم

- ۱۱۳..... پرده‌ی سوم، صحنه‌ی یکم
- ۱۲۰..... پرده‌ی سوم، صحنه‌ی دوم
- ۱۳۷..... پرده‌ی سوم، صحنه‌ی سوم
- ۱۴۰..... پرده‌ی سوم، صحنه‌ی چهارم
- ۱۴۵..... پرده‌ی سوم، صحنه‌ی پنجم

پرده‌ی چهارم

- ۱۵۳..... پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی یکم
- ۱۷۶..... پرده‌ی چهارم، صحنه‌ی دوم

پرده‌ی پنجم

- ۱۷۹..... پرده‌ی پنجم، صحنه‌ی یکم

درآمد

تاجرونیرو ر بازن ایست که به لحاظ تعدد اجرا و پسند تماشاگر در کنار بازی های بزرگ شکست پذیر مانند هملت و مکبث قرار می گیرد. این بازی دارای سه پیرنگ یا طرح کلاسیک است که هر سه از قصه های مجموعه ی II Pecorne (وراج)، گردآورد، روایتی فیورنتینو^۱ نویسنده ی قرن چهاردهم ایتالیا، گرفته شده اند:

قصه ی نخست مربوط به رادمردی است که برای سامان دادن کارهایش مبلغی کلان از یهودی نزول خواری وام می گیرد و می بھودی ضمانت باز پرداخت وام خود را، در سر رسید معلوم و در صورت عمل کردن ضامن به تعهدش، بریدن شش سیر گوشت از بدن او تعیین می کند.

قصه ی دوم مربوط به دختری است که ثروتی افسانه ای دارد و برای ازدواج خویش نوعی قرعه کشی، با سه صندوقچه ی طلایی، نقره ای و سربی، ترتیب می دهد و خواستگاران خود را متعهد می کند که پس از ادای سوگند یکی از صندوقچه ها را برگزینند. فقط در یکی از آن سه صندوقچه تصویر از آن

1. Giovanni Fiorentino

دختر وجود دارد و هر که آن صندوقچه را برگزیند همسر و مالک همه‌ی ثروت او خواهد شد.

قصه‌ی سوم محاکمه‌ای ست که در آن یک دختر زیرک خود را به شکل مرد حقوقدانی در می‌آورد و بیگناهی را از مرگ نجات می‌دهد.

این سه قصه را شکسپیر با مهارت ویژه‌ی خود، یا تا آنجا که در توان داشته، در هم آمیخته و به صورت یک بازی تئاتری جذاب درآورده است.

دانشوری به نام استیفن گاشن^۱ در نوشتار «مکتب بیداد»^۲ از نمایشنامه‌ی «تاجرونیزی» به نام یهودی^۳ نام می‌برد که داستانش گرد حرص و سودجویی و ربا رنکوه‌ی بدن آن‌ها می‌گشته است. بسیاری عقیده دارند چه بسا که شکسپیر در نوشتن تاجرونیزی گوشه‌ی چشمی به آن بازی قدیمی داشته است، ولی سند معتبر و اثبات آن در دست نیست.

اکنون، تاجرونیزی یکی از دشوار و بحث‌انگیز شناخته می‌شود و خواننده و تماشاگر امروزی آن با بیگانه‌ی‌های تیره‌ی فرهنگ دوران الیزابت آشنا می‌شود. بسیاری این بازی را به دارا بدین جنبه‌های نژادپرستانه متهم می‌کنند و بر این پایه معتقدند که دیگر نباید به صورت کتاب درسی در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها خوانده شود و این اثرها به روی صحنه برود. اتهام دارا بودن جنبه‌های نژادپرستانه به این بازی بسیار تندی و گاه موجه است، با این همه، تاجرونیزی روی دیگری نیز دارد. این بازی سیصد سال گذشته مرتباً به روی صحنه رفته و نقشی در آن موجه و دامن‌گشای بزرگ‌ترین هنرمندان جهان آرزوی ایفایش را داشته‌اند. دیگر این که، جنبه‌های نژادپرستانه‌ی آن اغلب به هنگام اجرا وارونه شده و بخش‌هایی از

1. Stephen Gasson

2. The School of Abuse, 1579

3. The Jew

بازی به صورت دفاعیه‌ی بلیغی از مساوات شناخته شده است. در واقع، این بازی نقشی ابزاری در تغییر تنفر نژادی و دینی ایفا کرده و به همین دلیل جای‌گاه ارزنده‌ای در فرهنگ جهان به دست آورده است.

نظر مردم زمان شکسپیر نسبت به یهود: یهودیان در ۱۲۹۰ از انگلستان تبعید شدند و در زمان شکسپیر حتا یک یهودی در انگلستان وجود نداشت و انگ‌بسی‌های درس خوانده و درس نخوانده به صورتی کاملاً خیالی، افزون بر این که یهودیان را مسئول قتل حضرت عیسا می‌دانستند، آنان را به خیانت‌های دگه‌ی از جمله آدم‌خواری، مثله کردن مسیحیان، بچه دزدی و زهری کردن چاه‌های آب متهم می‌کردند. یکی دیگر از دلایل تنفر انگلیسی‌ها از یهودان رباخواری آنان بود. در دیانت یهود قانونی علیه رباخواری نیست، حال آن که این کار در مسیحیت به شدت منع شده است.

تماشاگران تاجرونیزی، در زمان شکسپیر، یهودی نابکار دیگری را در ذهن داشتند و آن شبه قهرمان 'بازی یهودی' است. اثر کریستوفر مارلو^۱ بود. یهودی مالت که کم‌دی رذیلانه‌ای بود و چند سال پیش تراز تاجرونیزی بر صحنه درخشید و با استقبال بی‌نظیر لندنی‌ها روبه‌رو شد. شبه قهرمان این بازی، باراباس، یهودی نزول‌خواری است که فرماندار مسیحی مالت اموالش را توقیف می‌کند و او برای انتقام به کارهای گوناگون دست می‌زند. مالت به صومعه‌ای می‌رود و با زهرآلود کردن خوراک راهبگان را می‌کشد و سپس می‌رفضد و آواز می‌خواند. در این بازی فرماندار و حکام مسیحی مالت زورگوین مستمگری تصویر می‌شوند و به صورتی ظالمانه ثروت باراباس را تصاحب می‌کنند، در نتیجه تماشاگر با بسیاری از کارهای او به غیر از قتل‌هایش، همدلی دارد و او به رغم خیانتش محبوب تماشاگر واقع می‌شود.

1. Anti hero

2. Christopher Marlow's *The Jew of Malta*

به محبوبیت رساندن شخصیت منفی یکی از مهمترین ترفندهای
 درام نویسی ست و شکسپیر نیز در تاجرونیزی آن را به کار می گیرد و خواننده و
 تماشاگر را بر آن می دارد که بر حال نابکار خبیث ماجرا - شایلاک - دل بسوزانند.

اجرای نقش شایلاک:

سنجش دو اجرای شایلاک می تواند راهگشای شناخت این نقش و تنوع
 در اجرای آن باشد: در ۱۹۷۳ لورنس اولیویه^۱ در یک نمایش ویدیویی و در
 ۱۹۹۶ باب پک^۲ در نمایش تلویزیونی کانال چهار انگلستان این نقش را اجرا
 کردند. لورنس اولیویه، در آغاز بازی از شایلاک مردی خوشرو و بذله گوارائه
 می دهد که فرار و خیانت و دخترش او را به خبیثی ترشرو و در عین حال
 دوست داشتنی تبدیل می کند. باب پک، شایلاک را به صورت مردی بی رحم
 و سنگدل تصویر می کند، اما نمایش رفتن داستان، رفته رفته همدلی
 تماشاگر را برمی انگیزد. شایلاک را به گونه های دیگری می توان بر صحنه اجرا
 کرد. می توان ازو مضحکه ای ساده ارائه کرد و قهرمانی تراژیک ساخت.

ونیزو بلمونت: در زمان شکسپیر، ونیز کشور - شهری پر قدرت بود و
 ناوگان تجاری و نیروی دریایی نیرومندی داشت. در بن بانی ونیز شهری
 بی رحم و محل ماجراهای عجیب است. وام دهنده ای در آن به موقع
 نپرداختن وامش ممکن است چند سیراز گوشت تن مدیون را ببرد، اما در
 بلمونت، که موقعیت جغرافیایی مشخصی هم ندارد اتفاقات رؤیایی روی
 می دهد، و عاشقان راستین به وصال یک دیگر می رسند.

1. Laurence Olivier

2. Bob Peck

دیگر کسان بازی:

پُرشیا (Portia)، این دختر که عقل و هوشی همسنگ زیبایش دارد در بلمونت^۱، ملک بزرگی از پدر به ارث برده است. پُرشیا به باسانئو (Bassanio) سخت دلباخته و در آرزوی ازدواج با اوست اما از آنجا که به وصیت پدر احترامی ویژه می‌گذارد، خود را ناگزیر ساخته است همسر خواستگاری شود که از میان سه صندوقچه، درست‌ترین‌شان را برگزیند. به هنگامی که ماجراها لحظه به لحظه به اوج هیجان می‌رسند و شایلاک کارد خود را تا نزدیکی آنکه گوشتی از بدن آنتونیو ببرد، پُرشیا تغییر چهره می‌دهد، مدتی به صورت آقای وکیل جوانی در می‌آورد، مسیر دادگاه را می‌گرداند و نقشه‌ی شایلاک را عتیم می‌گذارد.

آنتونیو (Antonio)، تاجری منتهی‌ست که برای یاری دادن به دوستش باسانئو، امضای خود را زیر قراردادش می‌گذارد، شروط قرارداد او را می‌پذیرد و در این راه تا آستانه‌ی مرگ، پیش می‌رود. آنتونیو، گاه توضیح ناپذیرانه رنجور و غمگین است، با این همه چهره‌ای مطبوع و مهربان دارد و به همین دلیل همشینیان‌اش همیشه به او می‌ورزند. اما، به زعم شایلاک، تنفرش از یهودان پایان‌نیافتنی‌ست. سرچیه، ربایان، شایلاک را تحت شرایطی می‌بخشاید.

باسسانئو (Bassanio)، از رادمردان ونیز و خوشاوند و دوست صمیمی آنتونیوست. عشق شدید باسانئو به پُرشیا، ثروتمند او را وامی‌دارد که وامی گران بگیرد تا بتواند برای محبوبه‌اش هدایایی پرارزش به ارمغان ببرد، شایلاک رباخوار شهر حاضر می‌شود آن وام را به او بپردازد اما از آنتونیو می‌خواهد که

۱ Belmont. محلی، برساخته‌ی شکسپیر و ظاهراً در خاک اصلی ایتالیا نزدیک ونیز.

ضامن او شود. باسسانو، گرچه بازرگانی ست ناکارآمد، در خواستگاری موفق می‌شود و صندوقچه‌ای را برمی‌گزیند که تصویر پُرشیا در آن است.

گراسیانو (Gratiano)، یکی از دوستان باسسیانوست که در سفر به بلمونت او را همراهی می‌کند. گراسیانو خشن و پرحرف است و در میان مخالفان شایلاک از همه بدزبان‌تر است و به هنگام محاکمه بیش از همه او را دشنام می‌دهد و می‌آزارد. زمانی که باسسانو در بلمونت با پُرشیا سرگرم عشق ورزی ست، او بیکار ننشسته و دل از نریسا (Nerissa) ندیمه‌ی پُرشیا می‌برد و سوانجام با وی ازدواج می‌کند.

جسیکا (Jessica)، دختر شایلاک است اما از زندگی در خانه‌ی پدر و از سختکین‌ها دور است. او پادمان نیست و با یکی از جوانان مسیحی شهر به نام لورنزو (Lorenzo)، پنهانی پیمان ازدواج می‌بندد و از خانه‌ی پدر می‌گریزد. جسیکا پس از دین‌زدانی، از شتری هدیه‌ی مادرش به پدر را می‌فروشد که از دیدگاه ما شاید چندان جدید نباشد.

لانس‌لوت گوئبو (Launce Gobbo)، نخست خدمتکار شایلاک است اما خدمت به او را ترک می‌کند و به خدمت باسسانو درمی‌آید. شخصیت او به دلک‌ها می‌ماند و به دل‌ها می‌گردد. او می‌خواهد معمای می‌سازد. او متحیر است که آیا گرویدن جسیکا به یهودیت گناه یهودی زاده شدنش را می‌بخشد و او را به بهشت می‌برد یا نه!

لورنزو (Lorenzo)، یکی از دوستان باسسانو و آن‌دوست است. لورنزو دلباخته‌ی جسیکا، دختر شایلاک است؛ اوست که نقش می‌کشد و جسیکا را یاری می‌کند از خانه‌ی پدرش به بلمونت بگریزد و با او ازدواج کند. نریسا (Nerissa)، خدمتگار و ندیمه‌ی پُرشیا است. نریسا با گراسیانو ازدواج می‌کند و در سفر پُرشیا به ونیز، با او همراه می‌شود، به صورت مردی جوان تغییر چهره می‌دهد و نقش منشی او را ایفا می‌کند.